

تعمیرت سیار در پروانہ

پروہ شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
سیدمہدی موسوی
پرتال جامع علوم انسانی

چکیده

تربیت سیاسی در پرتو انتظار یعنی کسب آمادگی و رشد لازم برای حضور زنده و فعال منتظران در عرصه‌های ملی و جهانی. این نوع از تربیت که با تأکید بر نقش انسان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شکل گرفته، درصدد اصلاح امروز جامعه اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور منجی است.

این مقاله، با توجه به ضرورت موضوع، با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات به تبیین ضرورت تربیت سیاسی منتظران در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار سیاسی و ارائه ظرفیت‌های انتظار در این زمینه پرداخته است و اصول کلی را برای تربیت سیاسی منتظران از آیات و روایات استخراج و ارائه نموده است.

واژگان کلیدی

تربیت سیاسی، مهدویت، انتظار، وظایف منتظران، تربیت منتظران.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

واژه تربیت سیاسی متشکل از دو مفهوم مستقل «تربیت» و «سیاست» است. معانی گوناگونی در فرهنگ لغات برای واژه تربیت برشمرده‌اند که از جمله آنها پروراندن، پرورش دادن، یاد دادن و بار آوردن است.^۱ اما در اصطلاح، مکاتب و نگرش‌های فلسفی به گونه‌های متفاوت به انسان و تربیت می‌نگرند و متناسب با مبانی خود به تعریف و بیان هدف‌های تعلیم و تربیت می‌پردازند. لذا تعریف‌های بسیاری برای تربیت ارائه کرده‌اند. همه این تعریف‌ها، تربیت را مجموعه‌ای از تدابیر و روش‌ها می‌دانند که برای به فعلیت درآوردن و شکوفا ساختن استعدادهای انسان است. راغب اصفهانی می‌نویسد:

الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ التَّرْبِيَةُ وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ الْتِمَامِ.^۲

استاد مطهری نیز در این باره می‌نویسد:

تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شیء موجود است، به فعلیت در آوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جان‌دارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است.^۳

واژه سیاست نیز براساس پیش‌فرض‌های گوناگون در مورد انسان و جامعه، تعریف‌های گوناگون دارد؛ چون هر مکتب سیاسی بر اساس اصول و مبانی نظری خود، هدف‌های ویژه‌ای دنبال می‌کند. واژه سیاست در لغت به معنای اصلاح امور خلق، اداره کردن و حکم راندن بر رعیت، یا ریاست آمده است. دکتر عالم، در تعریف سیاست می‌نویسد:

سیاست رهبری صلح‌آمیز یا غیرصلح‌آمیز روابط میان افراد، گروه‌ها و احزاب (نیروهای اجتماعی) و کارهای حکومتی در داخل یک کشور و روابط میان یک دولت با دولت‌های دیگر در عرصه جهانی است.^۴

علامه محمدتقی جعفری، سیاست را چنین تعریف می‌کند:

سیاست به معنای حقیقی آن، عبارت است از مدیریت و توجیه و تنظیم زندگی اجتماعی انسان‌ها، در مسیر حیات معقول.^۵

با توجه به اختلاف در مفهوم تربیت و سیاست، تعاریف متفاوتی نیز از تربیت سیاسی شده است. در جمع‌بندی اجمالی می‌توان گفت که تربیت سیاسی پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه است.^۶ اموری هم‌چون تربیت شهروندان، گزینش رهبران سیاسی، ایجاد هم‌بستگی سیاسی، حفظ قدرت سیاسی، اجتماعی کردن افراد برای نظام‌های سیاسی، نقد نظام سیاسی موجود و تربیت شهروندان جهانی، از جمله اهدافی است که برای تربیت سیاسی ذکر کرده‌اند.^۷ بنابر نظر یکی از نویسندگان عرب، تربیت سیاسی پروسه‌ای است که به ایجاد شخصیتی عقلانی، منتقد، توانا در گفت‌وگوهای سازنده و توانمند در عمل کردهایی که به بهبودی هر چه بیشتر وضعیت

در جمع‌بندی اجمالی می‌توان گفت که تربیت سیاسی پرورش فضایل، دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای مشارکت سیاسی و آماده کردن اشخاص برای مشارکت آگاهانه در بازسازی آگاهانه جامعه است.

می‌انجامد. تقویت بینش انسان به این معنا، توانایی تحصیل و کسب بینش سیاسی را در پی می‌آورد که هدف از آن، پرداختن به رشد و گسترش روزافزون بینش و دیدگاه‌هایی است که ارزش‌ها، اعتقادات و جهت‌گیری‌ها و عواطف سیاسی را دربر می‌گیرد؛ در این صورت، درباره موضع‌گیری‌های سیاسی، قضایای محلی، منطقه‌ای و جهانی، آگاه خواهد بود و هم‌چنین بر مشارکت و فعالیت دقیق در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی توانایی خواهد داشت. هم‌چنین از اهداف تقویت بینش سیاسی، تقویت مشارکت سیاسی انسان به گونه‌ای است که به فعالیت و مشارکت سیاسی در جامعه با احساس مسئولیت بتواند بپردازد و برای ایجاد تغییر و تحول نیز شور و شوق داشته باشد.^۸ از آن‌جا که انسان سه نیروی عقل، دل و جسم دارد، تربیت سیاسی در سه محور اصلی تقسیم می‌شود:

یکم. تربیت در حوزه بی‌ش‌های سیاسی؛

دوم. تربیت در حوزه ارزده‌ها و نگرش‌های سیاسی؛

سوم. تربیت در حوزه مهارت‌ها و رفتارهای سیاسی و اجتماعی.

بر این اساس، تربیت سیاسی یعنی رشد دانش‌ها، نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای حضور زنده و فعال شهروند مسلمان در عرصه‌های سیاسی ملی و جهانی.

نوع تربیت سیاسی با ایدئولوژی و بنیان‌های نظری، ارتباط تنگاتنگ و خاصی دارد. هر مکتب سیاسی براساس اصول و مبانی نظری خود، هدف‌هایی ویژه را دنبال می‌کند. از همین رو، به لحاظ جنبه نظری و تدوین الگوی تربیت سیاسی باید ساختاری منطقی برای این امر فراهم شود تا فرآیند تربیت سیاسی نظام آموزشی بر مبانی و اصول و روش‌هایی متکی گردد که با اهداف تربیت سیاسی سازگار باشد. ارسطو می‌گوید:

در میان تمام چیزهایی که بیان کرده‌ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند. بهترین قوانین نیز - حتی اگر توسط تمام افراد جامعه هم معتبر و مشروع دانسته شود - در صورتی ارزش و اعتبار خواهند داشت که به وسیله آموزش و پرورش به نسل جوان آموخته شوند و آموزش

و پرورش نیز با قوانین مزبور تطابق داشته باشند.^۹

به همین دلیل، الگوی تربیت سیاسی برای مشارکت و حضور فعال در حکومت دینی، یا تحقق حکومت دینی، متفاوت از الگوهای دیگر است. بدین منظور برای ارائه الگوی صحیح تربیت سیاسی باید به اصول معرفت‌شناختی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسانه برآمده از متون و منابع دینی مراجعه کرد. از این رو، فرآیند تربیت سیاسی برگرفته از متون دینی، سیاست‌های خاصی را در پی دارد، یعنی تربیت سیاسی در حکومت دینی نوعی تربیت دینی در بُعد سیاسی آن به شمار می‌رود.

مفهوم شناسی انتظار

مقوله انتظار تنها ویژه تشیع نیست، بلکه بنابر قرآن کریم انبیا حق‌طلبان و امت‌های خود را به انتظار سفارش می‌کرده‌اند. قرآن مؤمنان را به پیروزی حق وعده داده است و از آنها خواسته که انتظار تحقق حق را داشته باشند:

﴿لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ﴾^{۱۰}

تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند، هر چند بزه‌کاران خوش نداشته باشند.

﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيبٍ أَوْ مَتَاعٍ رَبِّدًا مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾^{۱۱}

[همو که] از آسمان، آبی فرو فرستاد. پس رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند، و سیل، کفی بلند روی خود برداشت، و از آن‌چه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی، در آتش می‌گدازند هم نظیر آن کفی برمی‌آید. خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند. اما کف، بیرون افتاده از میان می‌رود، ولی آن‌چه به مردم سود می‌رساند در زمین [باقی] می‌ماند. خداوند مثل‌ها را چنین می‌زند.

﴿وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾^{۱۲}

و بگو: حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.

﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يَخْنَمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾^{۱۳}

آیا می گویند: «بر خدا دروغی بسته است؟» پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می نهد و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می کند. اوست که به راز دل ها داناست.

خداوند مادر موسی علیه السلام را به انتظار وعده حق سفارش فرمود:

﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾^{۱۴}

پس او را به مادرش بازگردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا درست است، ولی بیشترشان نمی دانند.

و در سوره روم مؤمنان را به پیروزی وعده داده است:

﴿بَنصُرُ اللَّهُ بِنَصْرِ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ * وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^{۱۵}

هر که را بخواهد یاری می کند، و اوست شکست ناپذیر مهربان. وعده خداست. خدا وعده اش را خلاف نمی کند، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾^{۱۶}

پس صبر کن که وعده خدا حق است، و زنهار تا کسانی که یقین ندارند، تو را به سبک سری و اندازند.

هم چنین آمده است:

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾^{۱۷}

پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شام گاهان و بامداد ستایش گر باش.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا﴾^{۱۸}

خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.

﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^{۱۹}

ترویج سببسی لایق انتظار

مؤمنان خانه‌نشین که زیان‌دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند. خداوند، کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده، و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده، [ولی] مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است.

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَكْبِرِينَ الْيَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَرَزِلْزَلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرُ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾^{۲۰}

آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آن‌که هنوز مانند آن‌چه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول] و [تکان] درآمدند تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که بسا وی ایمان آورده بودند گفتند: «یاری خدا کی خواهد بود؟» هش دار، که پیروزی خدا نزدیک است.

بنابراین آیات و برخی دیگر از آیات قرآن کریم، مقوله انتظار را امری بیایی می‌یابیم، چنان‌که خداوند متعال مؤمنان را برای تحقق وعده‌هایش و پیروزی حق، به انتظار و صبر فراخوانده است. از بررسی این گونه آیات قرآن کریم استنباط می‌شود که انتظار حالتی روانی است که نوعی آمادگی به وجود می‌آورد و زمینه‌ساز تحول در معرفت، احساس، رفتار و عمل آدمی می‌شود تا لایق رسیدن به نعمتی شود. آن کسی به انتظار وقوع امری می‌نشیند که برای آن قدمی برداشته باشد و آن را طلب کند. انتظار زمانی است که انسان برای رسیدن به چیزی بکوشد و بدون کوشش برای رسیدن به مقصود، وصول ممکن نخواهد بود.

پس فرهنگ انتظار در درون خود تغییر و تحول را به همراه دارد. از این رو، آرمان‌های بزرگ و فتح قله‌های بلند، همت‌های بزرگ و خستگی‌ناپذیر را می‌طلبد. نمونه این انتظارات و آمادگی‌ها در سیره انبیا و اولیای الهی تحقق یافته است که همگی در انتظار تحقق وعده‌های الهی و سعادت بشر بوده‌اند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرده‌اند. هر اندازه انتظار شدیدتر باشد، آمادگی و مهیا شدن قوی‌تر خواهد بود. پس انتظار، آماده باش و تحصیل آمادگی‌های لازم است برای آن چه مورد نظر است.

انتظار مسئولیت هر فرد در برابر خود و جامعه، آماده باش در سایه تغییر و تحول، صبر و استقامت، و تعهد و تحرک است. آیه‌الله سید رضا صدر می‌نویسد:

مقصود از انتظار، آمادگی است و آن دو مرتبه دارد: نخستین مرتبه آن، انتظار روحی است و خوش‌دل بودن برای تحقق امید در آینده و آن عبارت است از آمادگی برای قبول دعوت و زدودن مقاومت روحی برای رسیدن کسی که انتظار آمدنش هست. دومین مرتبه آن، انتظار عملی است که اضافه بر انتظار روحی است.^{۲۱}

براساس روایات صادر شده از معصومان، انتظار شیعیان برای ظهور مهدی موعود^ع از مهم‌ترین مصداق‌های آیات انتظار است و در تفسیر آیاتی از قرآن کریم، مؤمنان را به انتظار آمدن منجی بشریت سفارش نموده‌اند که از جمله آن، آیات ذیل است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾^{۲۲}

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان‌گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^{۲۳}

و در حقیقت، در زیور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ * وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي

فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^{۲۲}

و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم و در زمین قدرشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم.

«بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»^{۲۵}

اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگاهبان نیستم.

«قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^{۲۶}

موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری ورزید که زمین از آن خداست، آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه در نزد شیعیان از بهترین و بزرگ‌ترین انتظارهای آدمی بر روی کره خاکی است که در متن جریان زندگی منتظران حضور دارد و منشأ آگاهی و هوشیاری و بیداری دائمی آنهاست. خاصیت انتظار سازنده و اصیل، تنظیم فکر و روحیه است که انسان را براساس طرح و برنامه به حرکت و عمل وامی‌دارد. استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

انتظار فرج و آرزو و امید و دل بستن به آینده دو گونه است: انتظاری که سازنده و نگه‌دارنده است، تعهدآور است، نیروآفرین و تحرک‌بخش است، به گونه‌ای که می‌تواند نوعی عبادت و حق‌پرستی شمرده شود و انتظاری که گناه است، ویران‌گر است، اسارت‌بخش است، فلج‌کننده است و نوعی اباحی‌گری باید محسوب گردد. این دو نوع انتظار فرج، معلول دو نوع برداشت از ظهور عظیم مهدی موعود عجل الله فرجه است و این دو نوع برداشت به نوبه خود از دو نوع بینش درباره تحولات و انقلابات تاریخی ناشی می‌شود.^{۲۷}

اهمیت تربیت سیاسی در قرآن کریم

هر مکتب و نظام سیاسی به انسان‌های توان‌مند فکری و شخصیت‌های بزرگ، کارآمد و پر دغدغه نیازمند است تا نظامی کارآمد و بالنده باشد. رفتار آگاهانه و مدبرانه، هنرمندانه و مسئولانه، همراه با برنامه‌ای منسجم، منظم و معقول، راه را برای تحقق آرمان‌های آن نظام می‌گشاید. اسلام نیز به منزله برنامه زندگی انسان، دارای نظام سیاسی مستقل براساس آموزه‌های دینی است. بر این اساس، برای پیش‌برد اهداف خود و هدایت انسان‌ها

انتظار مهدی موعود عجل الله فرجه در نزد شیعیان از بهترین و بزرگ‌ترین انتظارهای آدمی بر روی کره خاکی است که در متن جریان زندگی منتظران حضور دارد و منشأ آگاهی و هوشیاری و بیداری دائمی آنهاست.

دارای برنامه تربیتی و اصول رفتار سیاسی است که مؤمنان را به آن سفارش و تربیت می‌نماید. قرآن کریم با ذکر ویژگی‌های بنیادین فطرت، کرامت، حریت و اختیار در انسان، به عنصر تربیت انسان توجه ویژه‌ای نموده و وظیفه مهم انبیای الهی را تربیت و هدایت انسان‌ها معرفی نموده است:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾^{۳۸}

ارست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

انسان از منظر قرآن کریم، موجودی تربیت‌پذیر، آزاد و مختار است و به واسطه این ویژگی‌ها، گروهی با اختیار خویش فوق فرشتگان و مسجود ملائک می‌شوند^{۳۹} و برخی به پایین‌تر از حیوان سقوط می‌کنند.^{۴۰}

بنابر دیدگاه قرآن کریم، تنها وقتی به ملت و جامعه‌ای خیر یا شر می‌رسد که افراد آن جامعه خود خواهان آن نعمت و سعادت یا شر و ضلالت باشند.

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^{۴۱}
همانا خداوند حال هیچ قومی را تغییر نخواهد داد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند.

و خداوند متعال هیچ نعمت و سعادت را از هیچ ملت و جامعه‌ای نمی‌ستاند، مگر آن که آنان در حفظ و حراست آن کوتاهی کنند:

﴿ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾^{۴۲}

این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند، و خدا شنوای داناست.

بر اساس این سنت الهی، حکومت عدل اسلامی زمانی محقق می‌شود که مردم خود برای به دست آوردن آن تلاش نمایند و چنین نخواهد بود که خداوند بدون عمل و خواست مردم برای آنان

حکومت تشکیل دهد. بنابراین، حکومت اسلامی هیچ‌گاه بدون خواست و اراده مردم محقق نمی‌شود. قرآن می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾

یعنی مؤمنان واقعی کسانی هستند که گذشته از ایمان به خدا و پیامبر، در مسائل اجتماعی نیز رهبران الهی خود را رها نکنند.^{۴۳}

بنابراین، برای تحقق حکومت جهانی عدالت، انسان باید بکوشد و کوشش انسان، نتیجه نوع تربیت اوست. اگر انسان و افراد جامعه از تربیت والای اجتماعی و سیاسی برخوردار باشند و شخصیت آنها بنابر اقتضایات جامعه، متناسب با فرهنگ سیاسی و اجتماعی تعالی یافته باشد، مسیر بالندگی جامعه هموار خواهد بود و زمینه‌های لازم برای تحقق وعده‌های خداوند مهیا خواهد شد.

تربیت سیاسی و انتظار

با توجه به عبارت معروف خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب تجرید الاعتقاد که نوشته است: «وجوده لطف و تصرفه لطف آخر و عدمه منأ.»^{۴۴} می‌توان گفت که برای انتفاع از حضور امام، میزان بینش و درک انسان‌ها تأثیر فراوان دارد. از این رو، غیبت نتیجه عدم آمادگی و نبود شرایطی است که افراد جامعه را از بهره بردن از امام معصوم علیه السلام باز می‌دارد.

بنابر مجموع آیات و روایات در این باره، انتظار تنها حالتی روانی نیست، بلکه احوال روحی جریان یافته‌ای است که همراه با تغییر و تحول به اقدام و عمل می‌انجامد. از این رو، در روایات آن را افضل اعمال و نه افضل حالات بر شمرده‌اند.^{۴۵} اگر انسان خود را برای همراهی با ولی خدا آماده نکرده باشد و از اهل سرعت و سبقت به شمار نیاید، عقب خواهد ماند. اهل بیت علیهم السلام دستور داده‌اند که برای ظهور باید آماده شد؛ چون ظهور یک باره واقع می‌شود. اصحاب امام زمان علیه السلام به علت آمادگی قبلی، به محض شنیدن ندای حضرت، همگی در مکه جمع می‌شوند. امام صادق علیه السلام در روایتی، مفاسد آخر زمان را که برخی جنبه سیاسی و اجتماعی دارد، بیان فرموده و در پایان با تأکید بر خودسازی و

تربیت اخلاقی و سیاسی خطاب به راوی می‌فرماید:

در چنین موقعی مواظب خود باش. نجات را از خداوند بخواه... باید به سوی رحمت حق بشتابی تا از کیفری که آنها به واسطه سرپیچی از فرمان خدا می‌بینند، بیرون آیی. بدان که خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند و إن رحمة الله قریب من المحسنین.^{۳۶}

بنابر دیگر شواهد که بر ضرورت آمادگی و تربیت پیش از ظهور دلالت دارد، روایاتی است که به حرکت‌های اصلاح‌گرانه مؤمنان اشاره دارد و آن را زمینه ظهور دانسته‌اند: رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه فراهم می‌سازند.^{۳۷}

نیز می‌فرماید:

پرچم‌های سیاهی از سمت مشرق خواهد آمد که دل‌های آنان همانند پاره‌های آهن است. پس هر کس از حرکت آنان آگاهی یافت، به سوی آنان برود و با آنان بیعت کند، هر چند لازم باشد که بر روی یخ حرکت کند.^{۳۸}

در این روایات به روشنی از برپایی قیام‌ها و حرکت‌های سیاسی و اجتماعی در آستانه ظهور موعود خبر داده شده است که نشان از آمادگی و تربیت سیاسی مؤمنان منتظر دارد. آیا ممکن است که دل این مؤمنان جز با تربیت قلبی و آمادگی لازم و بینش سیاسی، بسان آهن محکم و استوار گردد و از هیچ مشکلی ترس به خود راه ندهند که امام باقر علیه السلام به حضور در جمع آنان افتخار کند.^{۳۹}

بنابراین، انتظار سازنده و پویا در تربیت فردی و اجتماعی انسان بسیار تأثیرگذار است؛ چون این تغییر و تحول مستلزم تربیت انسان برای اقدام و عمل است. حضرت آیه‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد:

مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی و قیام مصلح جهانی، در واقع مرکب از دو عنصر است: عنصر نفی و عنصر اثبات. عنصر نفی، همان بیگانگی از وضع موجود و عنصر اثبات، خواهان وضع بهتر است. اگر این دو جنبه، در روح انسان، به صورت ریشه‌دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال، عبارت است از ترک هرگونه هم‌کاری و هم‌آهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه و درگیری با آنان، از یک سو و خودسازی و خودباوری و جلب آمادگی جسمی و روحی، مادی و معنوی، برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی، از سوی دیگر... هر دو قسمت، کاملاً سازنده و عامل تحرک، آگاهی و بیداری است.^{۴۰}

بی‌تردید، ارتباط مستقیم مباحث مهدویت را با زندگی امروز جامعه اسلامی نمی‌توان

انتظار سازنده و پویا در تربیت فردی و اجتماعی انسان بسیار تأثیرگذار است؛ چون این تغییر و تحول مستلزم تربیت انسان برای اقدام و عمل است.

نادیده گرفت. «به رغم اهمیت ذاتی مسئله مهدویت و منجی موعود برای تمامی ادیان آسمانی، پی گیری انتزاعی - آرمانی مباحث مهدویت فارغ از وضعیت حال جامعه اسلامی، ما را به آرمان گرایی و جست و جوی آینده ای آرمانی دچار خواهد کرد، بی آن که با محک زدن زندگی امروز با سیمای آینده، ما را در جهت اصلاح امروز و آماده شدن برای فردا یاری رساند. سیمای منتظر واقعی چنین عصری، نه تقاعد و غرق شدن در آینده و فراموشی وضعیت حال خویش، بلکه بسط انتظار به زندگی کنونی است تا با آماده شدن و دعوت انسان ها بدان آرمان، تلاش کند با ساختن جامعه و اصلاح آن زمینه ظهور را فراهم سازد.»^{۳۱} از این رو، درباره رابطه تربیت سیاسی و آمادگی برآمده از انتظار، جهت اصلاح امروز جامعه اسلامی و زمینه سازی ظهور از دو منظر می توان به آن پرداخت:

منظر اول: بررسی ظرفیت های مقوله انتظار در تربیت سیاسی و جامعه پذیری انسان؛

منظر دوم: ضرورت و راه کارهای تربیت سیاسی منتظران برای زمینه سازی ظهور.

منابع اسلامی سه نوع تحول و اقدام را نتیجه و ضروری انتظار برای تحقق وعده های الهی بیان نموده و مؤمنان و منتظران را به تربیت و تخلّق به آنها سفارش کرده است:

الف) تربیت سیاسی در حوزه دانش و بینش

یکی از ویژگی های انسان، شناخت و معرفت است که او را از حیوانات متفاوت می کند و انسان به واسطه آن حرکت می کند. عنصر بصیرت که حاصل شناخت و تفکر است، از مهم ترین صفات و شرایط برای حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی به شمار می رود. سعادت انسان و جامعه در گرو بصیرت و خردمندی است تا در حوادث و پیچیدگی های زندگی اجتماعی و سیاسی گم نشود و فریب نخورد. آگاهی و بصیرت در سرنوشت انسان تأثیرات فراوانی دارد. فعال سیاسی به سه نوع شناخت برای حضور در عرصه های سیاسی و اجتماعی نیازمند است که عبارتند از حق شناسی، باطل شناسی و راه شناسی. قرآن کریم به هر سه نوع شناخت و بصیرت اشاره کرده است.^{۳۲}

در طول تاریخ، مسئله اساسی و مهم در جریان مبارزه حق و

باطل، کم بود معرفت و بصیرت بوده است. به همین دلیل، قرآن کریم به مسئله معرفت و بینش تأکید فراوان دارد و اساس کار دین را بر معرفت بنا نموده است. اگر انسانی نفهمد تنها راه سعادت، راه ولی خداست، در شبهات و فتنه ها غرق می شود. از جمله عوامل بازماندن از جبهه حق و همراهی با ولی خدا، شبهه ها و فتنه ها هستند. شبهه ها، فتنه ها را کارساز می کنند؛ زیرا شبهه فضا را تاریک می کند و در فضای تاریک، فتنه ها تأثیر گذار می شوند. آخر زمان به تعبیر روایات، دوران ظهور شبهه ها و فتنه است و انسان ها در مسیر زندگی خویش با انواع «ملاحم و فتن» دست و پنجه نرم می کنند. در چنین حالتی انسان به معیار و میزان شناخت حق و باطل نیازمند است تا در سر دوراهی ها و چند راهی ها مسیر هدایت را بیابد. از این رو، شناخت حجت خدا و امام عصر علیه السلام از وظایف مهم منتظران است. این موضوع چنان اهمیت دارد که شیعه و سنی در روایات بسیاری از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام آورده اند:

من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة؛^{۳۳}

هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی مرده است.

تأکید ادعیه فراوان بر طلب معرفت حجت حق^{۳۴} نشان می دهد که شناخت امام معصوم علیه السلام مهم ترین معیار و ملاک برای شناخت حق و باطل است و تنها راه وصول به سعادت مادی و معنوی به شمار می رود.

انتظار، محصول بصیرت عقلانی و تفکر خردمندانه ای است که انسان منتظر را به شناخت و بصیرت وامی دارد. چون فرد منتظر خویش را بشناسد و به ضرورت امام عصر علیه السلام و حکومت حق و عدالت معرفت یابد، می فهمد که در فتنه ها و گرداب ها حق با کیست و به حق شناسی ره می یابد و برای آن که در فتنه ها و گرداب شبهات گم نشود، به باطل شناسی نیاز دارد تا سره را از ناسره و حق را از باطل باز شناسد و راه های منتهی به حق و کژراه های منتهی به باطل را تشخیص دهد. پس در انتظار سه نوع شناخت و بصیرت، حق شناسی و باطل شناسی و راه شناسی نهفته است. انتظار، نوعی فکر و بینش را می نمایاند که در انتخاب و گزینش دایمی، میزان و معیار واقع بینانه ای به منتظران می دهد

تا در بن‌بست‌ها نایستند و با مسلح شدن به آن، سنگ‌لاخ‌های عصر غیبت را آهسته و پیوسته بپیمایند و بستر ظهور را آماده سازند. این جریان فکری برآمده از انتظار، انسان منتظر را در برابر فکرها و نحله‌های گوناگون، هویت می‌بخشد و زمینه ظرفیت و وسعت روحی را آماده می‌سازد.

بنابراین، آن‌گاه که مربیان تعلیم و تربیت به تربیت کودکان و جوانان می‌پردازند، باید انواع بصیرت برآمده از انتظار و موعودگرایی را به آنان بیاموزند تا مخاطبان به بصیرت و شناخت حق از باطل ره یابند و راه را از کژراهه بشناسند تا در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی، آگاهانه و با بصیرت وارد شوند. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

ای ابو‌خالد! همانا مردم زمان غیبت که به امامت او معتقدند و منتظر ظهور او هستند، برتر از مردم همه زمان‌ها هستند؛ زیرا خدای متعال، به آنان آن اندازه از عقل و شناخت داده که غیبت برای آنان، به منزله شهود شده است.^{۲۵}

ب) تربیت سیاسی در حوزه گرایش‌ها و ارزش‌ها

پس از آن‌که انسان حق و باطل را شناخت و به بصیرت لازم دست یافت، باید به حق و هر آن‌چه با آن است، بگراید و آن چیز، برای او ارزش داشته باشد و در درون از باطل بگریزد.

انتظار، چنین حالتی را در انسان به وجود می‌آورد؛ چون انتظار فرع بر چند اصل گرایشی است و چنان‌چه آن اصول محقق نشود، انتظار معنایی ندارد آن اصول عبارتند از:

۱. ایمان و تقوا

انسان منتظر باید ایمان و یقین قلبی داشته باشد؛ چون شخص منتظر، انتظار را وعده الهی و عنایت خداوند متعال به خود می‌داند، پس بسان ایمان به او، به وعده او نیز ایمان دارد. ایمان حاصل تقوا و جلب رضایت خداوند تبارک و تعالی است و انتظار بدون ایمان و بدون تقوا ممکن نیست. انسان مؤمن با اطمینان قلبی به وعده‌های الهی ایمان دارد و انتظار می‌کشد و برای تحقق وعده‌های الهی می‌کوشد. بنابراین، انسان منتظر ابتدا باید مؤمن و باتقوا باشد.

حرکت و تلاش برای تحقق وعده‌های الهی نتیجه ایمان است و انسان با ایمان منتظر است. لذا آیات قرآن کریم شرط انتظار و تحقق وعده‌هایش را بر ایمان مبتنی نموده است. قرآن می‌فرماید:

﴿يَقِيْتُ اللَّهَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^{۲۶}

اگر مؤمن باشید، باقی‌مانده حلال خدا برای شما بهتر است و من بر شما نگاهبان نیستم.

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾^{۲۷}

ایمان حاصل تقوا و جلب رضایت خداوند تبارک و تعالی است و انتظار بدون ایمان و بدون تقوا ممکن نیست. انسان مؤمن با اطمینان قلبی به وعده‌های الهی ایمان دارد و انتظار می‌کشد و برای تحقق وعده‌های الهی می‌کوشد.

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است.

﴿أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^{۴۸}

زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

این آیات، ایمان و عمل صالح را شرط انسان‌های منتظر و منتظران ظهور و کارگزاران حکومت عدل جهانی دانسته است.

۲. امید به آینده‌ای روشن

انسان برای هر حرکتی نیازمند امید و تصور آینده‌ای روشن از خویش، جامعه و جهان است. هر فرد در رفتار سیاسی و اجتماعی خویش آن گونه رفتار می‌کند که می‌نگرد. انسان امیدوار نگرش مثبت و سازنده به خود، جامعه و جهان و سیاست دارد و در برخورد با مشکلات، چون آینده را روشن می‌بیند، مواجهه منطقی می‌کند و برای رفع مشکل می‌اندیشد و هیچ‌گاه روحیه شکست و ناامیدی و یأس را به خود راه نمی‌دهد؛ چون اگر انسان ناامید شود، بار مشکلات بر سر او خراب و روحیه او شکسته می‌شود و از عمل و رفتار خسته و به کنج عزلت می‌نشیند تا مرگ او را فرابگیرد و یا با نگاه منفی و پوچ خود همه چیز را هیچ می‌پندارد و بر طبل بی‌عاری می‌کوبد و به ظلم و تجاوز دست می‌زند.

انتظار به انسان امید می‌بخشد و آینده را برای او روشن و زیبا ترسیم می‌کند و منتظر را از خمودگی و افسردگی و عزلت‌نشینی به درمی‌آورد. انتظار فرج، روح امید و نشاط را در جامعه می‌دمد، روحیه ناامیدی و خستگی را که مایه سقوط است، زائل می‌کند و انسان را به تلاش و کوشش و حضور زنده و فعال در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی وامی‌دارد. انسان امیدوار، آینده‌نگر و وسیع‌نگر است و با چشم‌اندازی وسیع به جهان می‌نگرد و از کوتاه‌فکری، خودبینی و مقطعی‌اندیشی می‌پرهیزد و به تحقق وعده‌های الهی در سراسر هستی می‌اندیشد. استاد مطهری می‌نویسد:

اصل انتظار فرج از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی استنتاج می‌شود و آن اصل «حرمت یأس از روح‌الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند. چیزی که هست،

این انتظار فرج و این «عدم یأس از روح‌الله» در مورد یک عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی و به علاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است.^{۴۹}

۳. صبر و استقامت

جامعه عرصه بروز مشکلات و حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر و فشارهای روحی و روانی از بیرون و درون است. انسان زمانی در برابر آنها غافل‌گیر نمی‌شود و کمر خم نمی‌کند که دارای روحیه صبر و استقامت فراوان باشد. صبر مؤلفه بسیار مهمی در زندگی تمام انسان‌های بزرگ و موفق تاریخ بوده است. انبیای الهی با تحمل مشکلات و سختی‌ها و با آزار و اذیت‌های فراوانی که بر آنها وارد می‌شد، به وظیفه خویش عمل می‌نمودند و با صبر و استقامت و سعه صدر هم‌چون کوهی قد علم می‌کردند. آنان از آن روی صبر و استقامت می‌ورزیدند که خداوند متعال، تنها منبع عظیم و تکیه‌گاهشان بود. حضرت موسی علیه السلام برای توفیق در رسالت خویش از خداوند متعال سعه صدر می‌خواست:

﴿قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾^{۵۰}

گفت: «پروردگارا، سینم را گشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز.»

و یاران خویش را برای تحقق وعده‌های الهی نیز به صبر سفارش می‌کرد:

﴿قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^{۵۱}

موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جوید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانیش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزکاران است.»

خداوند تمام انبیا را به صبر و استقامت سفارش نموده است:

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾^{۵۲}

، و زنهار تا کسانی که یقین ندارند، تو را به سبک‌سری

و اندازند.

﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْمَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ﴾^{۵۳}
پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهات آموزش بخواه و به سپاس
پروردگارت، شام گاهان و بامدادان ستایش گر باش.

انتظار نیز پایه‌ای محکم برای انسان معاصر به شمار می‌رود تا به پشتوانه آن، در برابر مشکلات و سختی‌های اجتماعی و سیاسی کمر خم نکند و با تکیه بر این وعده الهی صبر و استقامت ورزد. انسان منتظر در عصر غیبت در برابر مشکلات و بلاها به جزع و فریاد و ذلت و ضعف روی نمی‌آورد، بلکه هم‌چون کوهی قد علم می‌کند و با استعانت از خداوند متعال و با تقویت ایمان استقامت می‌ورزد و به انتظار تحقق وعده حتمی الهی ایستادگی می‌کند.

انتظار، انسان را صابر و شکیبا تربیت می‌کند و سعه صدر را در جان او می‌نشانند و انسان به این واسطه، صبر را سرلوحه رفتار خود قرار می‌دهد و به علت ضعف توان در برابر قدرت دشمن از صحنه سیاسی و اجتماعی خارج نمی‌شود و به مسیر خود ادامه می‌دهد. لذا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

خوشا به حال صابران در دوران غیبت آن حضرت...^{۵۴}

۴. عزت‌مداری

آزادسازی مردم از غل و زنجیرهای گوناگون فردی و اجتماعی از نقش‌های دین است. اسارت و بردگی انسان برای انسان‌های دیگر، مایه ذلت و پستی و کمال‌ناپذیری او می‌گردد و خداوند متعال از چنین ذلتی نهی فرموده است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این باره می‌فرماید:

کسی که ذلت خود را با میل و رغبت بپذیرد، از خاندان ما نیست.^{۵۵}

در فرهنگ دینی عزت متعلق به خدا و رسول و مؤمنان است:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ﴾^{۵۶}

هر کس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یک‌سره از آن خداست.

﴿وَاللَّهُ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^{۵۷}

عزت مخصوص خدا و رسول خدا و مؤمنان است.

و هیچ کافری بر هیچ مؤمنی ولایت و تقدم ندارد:

﴿وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا﴾^{۵۸}

خداوند برای کافرین بر مؤمنین ولایت قرار نداده است.

انتظار، انسان را صابر و شکیبا تربیت می‌کند و سعه صدر را در جان او می‌نشانند و انسان به این واسطه، صبر را سرلوحه رفتار خود قرار می‌دهد و به علت ضعف توان در برابر قدرت دشمن از صحنه سیاسی و اجتماعی خارج نمی‌شود

خداوند آزادی و حریت را برای انسان می‌خواهد و هیچ عبودیت و ذلتی را نزد مستکبران و زیاده‌خواهان نمی‌پذیرد.^{۵۹} عزت بخشی و عزت‌مداری از مهم‌ترین اهداف تربیتی پیامبران و اولیای ایشان بوده است. عزت نقشی اساسی در تربیت دارد، به گونه‌ای که در صورت فقدان عزت، آدمی به هر فعل پستی تن می‌دهد و به هر گناهی دست می‌زند. در واقع ریشه تباه‌کاری‌ها در ذلت نفس است. از این رو، مهم‌ترین راه برای اصلاح خود و جامعه عزت‌بخشی و عزت‌آفرینی است. مهم‌ترین تلاش تربیتی باید در جهت عزت‌بخشی و عزت‌مداری باشد تا فرد و جامعه از تباهی و سقوط‌رهایی یابند و به زندگی نیک در این جهان دست یابند. عزت آن حالتی است که نمی‌گذارد فرد مغلوب تباهی‌ها و ذلت‌ها گردد و شکست بخورد.

در آموزه انتظار، عزت مؤمنان نهفته است و نمی‌گذارد انسان تن به ذلت دهد. انتظار، عزت مؤمنان است که زیر بار ستم ستم‌گران از بین نمی‌روند و در برابر آنها به ذلت خو نمی‌کنند. انتظار تجلی عزت برخاسته از عبودیت حق و امید به تحقق وعده‌های الهی است که انسان را در راه حق پایدار و شکست‌ناپذیر می‌سازد. در مدرسه انتظار، عزت از اساس تربیت است. بنابراین، در ادعیه مخصوص امام زمان (عج) او را مایه عزت اهل اسلام و ذلت نفاق می‌شمارند:

تمرّ به الإسلام و أهله و تذلّ به النفاق و أهله؛^{۶۰}
با وجود او اسلام و مسلمانان عزت می‌یابند و نفاق و منافقان به ذلت کشیده می‌شوند.

۵. اعتماد به نفس

مسئله اعتماد به نفس و اتکا به هویت خویش، نقش مهمی در ثبات شخصیت آدمی دارد و موجب استواری عمل می‌شود. انسانی که از هویت محکم و پشتوانه بلند برخوردار است، به داشته‌ها و توان و استعدادهای خویش اعتماد می‌کند و راه پیش‌رفت و حرکت را در پی می‌گیرد، اما انسانی که اعتماد به نفس ندارد، دچار تزلزل شخصیتی و دوگانگی هویتی می‌شود و خود را دست‌کم می‌گیرد و هیچ‌گاه حرکت و پیش‌رفت نخواهد کرد، بلکه به‌ایستایی و غیر پویایی رو می‌آورد و در نتیجه، از حضور در عرصه‌های مختلف

اجتماعی و سیاسی باز می‌ماند. قرآن به پیامبر ﷺ می‌فرماید:

﴿فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَآ يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَرَّدَى﴾؛^{۶۱}

پس هرگز نباید کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی کرده است، تو را از [ایمان به] آن باز دارد، که هلاک خواهی شد.

یکی دیگر از ظرفیت‌های گسترده و اثربخش تربیتی انتظار، هویت محکم و اعتماد به نفس است. انسان منتظر با تکیه بر آموزه‌های مهدویت و اعتقاد به حضور امام زمان خویش در تمامی لحظات زندگی، به هویتی محکم دست می‌یابد و به واسطه آن، اعتماد به نفس می‌یابد و به عرصه‌های سیاسی و اجتماعی پا می‌گذارد. آن‌گاه وی خود سرنوشت خویش را رقم می‌زند و با دخالت و ورود در امور سیاسی خود را عرضه می‌کند و هیچ‌گاه به علت مشکلات و سختی‌ها و دشمنی‌ها از صحنه خارج نمی‌شود.

۶. ولایت‌پذیری از اولیای خدا

قرآن کریم با اصطلاحات مختلفی به مسئله رهبری و ولایت‌پذیری اشاره کرده و با واژگانی هم‌چون «امام»^{۶۲} به معنای پیشوا، رئیس، راهبر و مقتدا^{۶۳} و «ولی الامر»^{۶۴} به معنای صاحب فرمان و فرمان‌روا بدان پرداخته است. عالمان و مفسران شیعه اعتقاد دارند که مراد از «ولی الامر»، ائمه هدی از آل محمد ﷺ هستند. به عقیده شیخ طوسی در *تبیان*، طاعت هیچ کس جز کسی که معصوم و مصون از سهو و خطا باشد، جایز نیست و امیران و عالمان چنین شأنی ندارند و چنین طاعتی از ائمه علیهم‌السلام واجب است که ادله بر عصمت طهارت آنان قائم است. بنابر استدلال فخر رازی در *تفسیر الکبیر* نیز «ولی الامر» باید معصوم باشند؛ چراکه در غیر این صورت، خداوند با وجود اقدام آنان به خطا، همگان را به متابعتشان فرمان داده است، حال آن‌که خود خطا کاری نهی شده است.^{۶۵}

امت اسلامی برای تعالی و رشد فرد و جامعه و در مقابله با مشرکان و ظالمان به رهبر و پیشوا نیازمند است. لذا در اساس اسلام، رهبری و ولایت وجود دارد.^{۶۶} امام علی (ع) به عثمان بن حنیف، فرمان‌دار بصره، درباره ضرورت تربیت، بینش‌دهی و تعلیم امام به امت فرموده است:

ألا وإن لكل مأموم إماماً يقتدى به و يستضيء بنور علمه؛^{۶۷}
بدان، هر پیروی پیشوایی دارد و به او اقتدا می‌کند و از نور علم وی نورانی و آگاه می‌شود.

رهبری آگاه، مؤمن و مخلص، که جامعه را در شرایط مختلف می‌تواند هدایت کند.^{۶۸} از سوی دیگر، قرآن کریم مسلمانان را به فرمان‌بری و اطاعت از رهبر فرمان داده است؛ زیرا هر جمعی به امام و رهبر نیاز دارد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^{۶۹}
ای کسانی ایمان آورده‌اید، از خداوند و رسول او اطاعت کنید و هم‌چنین از صاحب امر آنها (نماینده).

این امر و لطف الهی در زمان غیبت نیز ادامه دارد و از این‌رو، مسلمانان با انتظار از برکات وجودی امام خود در پس ابرها بهره می‌برند. آموزه انتظار و مهدویت، حضور امام و ولی امر را در سراسر زندگی سیطره می‌دهد و انسان منتظر در همه احوال رابطه خویش را با ولی خود برقرار می‌سازد و با تجدید عهد و میثاق مداوم خویش از برکات وجودی مجرای فیض الهی بهره‌مند می‌شود. مسئله ولایت‌مداری در دوران غیبت همانند دوران حضور، آثار و برکاتی دارد، با این تفاوت که در عصر غیبت، انسان به واسطه مقوله انتظار، ثمرات دیگری هم‌چون ضرورت وجود امام و نیاز به امام معصوم را بیشتر احساس می‌کند. همین امر سبب شده است که محبت و دوستی و انس با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه و امید به حکومت او در جان آدمی شدت بیابد و به عطش و شیفتگی مبدل گردد.

ج) تربیت سیاسی در حوزه عمل و مهارت

حوزه رفتار و عمل مبتنی بر اصول و محورهای حوزه‌های معرفتی و گرایشی است که هر کدام آثار خود را در حوزه عمل نشان می‌دهند. انسان منتظر در عمل و رفتار خویش مهارت‌هایی لازم دارد تا در عرصه اجتماع و سیاست از اصول و هویت خود دفاع کند و بتواند جامعه را برای ظهور آماده سازد. از جمله مهارت‌ها و اقدامات نهفته در انتظار، محورهای ذیل است:

۱. حق‌طلبی، ظلم‌ستیزی و نفی طاغوت

افراد و گروه‌های مفسد در جامعه، به دلیل منافع نامشروع خویش، از اقدامات فسادانگیز خود دست نمی‌کشند و همواره فساد را گسترش می‌دهند و علاوه بر خود، مسیر جامعه انسانی را نیز دچار اختلال می‌کنند. از این‌رو، راه اصلاح جامعه منوط به حذف این موانع فساد با برخوردهای عملی و قهرآمیز می‌گردد. بنابراین، کاربرد شیوه اصلاح متناسب با این وضعیت ضروری است. آیات قرآن کریم به صراحت بر ضرورت به کارگیری روش حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی در اصلاح مفاسد تأکید دارند. دستور به مقاتله با ائمه کفر در همین راستا صادر شده است. سران کفر برخلاف همه موازین و تمهیدات انسانی و

انسان منتظر در عمل و رفتار خویش مهارت‌هایی لازم دارد تا در عرصه اجتماع و سیاست از اصول و هویت خود دفاع کند و بتواند جامعه را برای ظهور آماده سازد.

حقوقی به پای مال کردن مصالح عمومی جامعه می‌پردازند و جز به مطامع پست خویش، به چیز دیگری نمی‌اندیشند. بی‌گمان در برخورد با چنین مفسدانی، تنها روش‌های خشونت‌آمیز مؤثر است و تا این موانع فساد از سرراه برداشته نشوند، امید به اصلاح این گونه افراد و جوامع، سرابی بیش نخواهد بود. از این رو، مأموریت مهم و خطیر همه پیامبران الهی، مبارزه با طواغیت زمان خود بوده است.^{۶۰} بی‌گمان، حرکت اصلاحی جامعه به سبب افرادی اندک و سودجو، نمی‌بایست متوقف شود و اگر این افراد مانعند، باید با آنان برخورد کرد و به همین جهت، با وجود آن که خداوند درباره تعذبات فرعون به موسی علیه السلام امر نمود تا او را هدایت کند، وقتی موسی علیه السلام پیش‌رفت جامعه را با وجود فرعون متوقف دید، به مقابله با ظلم و طرد شرک فرعون پرداخت.^{۶۱}

گذشته از طواغیت، افراد و گروه‌هایی نیز که به دعوت اصلاحی پاسخ مثبت ندهند و با آن از در ستیز و نبرد مسلحانه برخیزند، به تعبیر قرآن از مفسدان هستند و با آنان نیز باید برخورد قاطع و عملی کرد تا جامعه انسان‌ها از لوث وجودشان پاک گردد. دستور جهاد با کافران و منافقان که درصدد تخریب پایه‌های ایمانی و عقیدتی صحیح در جامعه‌اند و با حکومت دینی پیامبر درگیر می‌شوند،^{۶۲} در همین راستا ارائه شده است:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ﴾؛^{۶۳}
ای پیامبر با کفار و منافقین جهاد کن و بر آنها سخت‌گیری
بنا.

و همچنین خداوند برتری کافران و طاغوت را بر مؤمنان مقرر نفرموده است.^{۶۴} از این رو، منتظر واقعی کسی است که به جامعه فاسد زمانه خویش دل نبندد و اگر انحراف و کژی ببیند، اعتراض کند و با پیروی از سیره مولا و محبوب خویش درصدد اصلاح آن برآید.

﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفِرَاقِي﴾؛^{۶۵}
بگو: من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو دو و به
تنهایی برای خدا به پا خیزید.

استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید:
ظهور مهدی موعود حلقه‌ای است از حلقات مبارزه اهل

حق و اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می‌شود. سهم بودن یک فرد در این سعادت، موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که بدان‌ها در روایات استناد شده است، نشان می‌دهد که مهدی موعود علیه السلام مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است؛ مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است.^{۶۶}

۲. عدالت‌گرایی

در روایات بسیاری، مهم‌ترین ره‌آورد قیام و انقلاب حضرت مهدی علیه السلام پر شدن جهان از عدالت و دادگری بیان شده است. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره عدالت‌گستری و هم‌چنین اصحاب حضرت مهدی علیه السلام فرموده است:

مهدی یحکم بالعدل و یأمر به، یصدق الله عزوجل و یصدق الله فی قوله، یخرج من تمامة حین تظهر الدلائل والعلامات و له کنوز لا ذهب و لا فضة إلا خیول مطهمة و رجال مسومة، یجمع الله له من اقصی البلاد علی عدة اهل بدر ثلاث مائة و ثلاثة عشر رجلاً معه صحيفة محتومة فیها عدد اصحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبائعهم و حلالهم و کناهم کذا دون مجردون فی طاعته؛^{۶۷}

مهدی به عدالت حکم نموده، به آن امر می‌کند. خداوند عزوجل او و کلامش را تصدیق می‌نماید و هنگامی که نشانه و علامت‌ها آشکار می‌شوند، از مکه خروج می‌نماید. وی دارای گنج‌هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج‌های او اسب‌های خوش‌اندام و نیکومنظر و مردان مشخص شده‌ای هستند که خداوند آنها را برای وی از دورترین بلاد جمع‌آوری کرده که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، سی صد و سیزده نفر مرد برسد و صحیفه‌ای دارد که در آن نام اصحاب وی با ذکر کنیه‌ها، کشورها، محل سکونت و حتی نوع خلق و خویشان آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشا هستند و رنج و سختی می‌کشند.

ایجاد حکومت عدل و حمایت از حقوق اکثریت مستضعف از

ویزگی‌های حکومت ایده‌آل و مدینه فاضله اسلام است. عدل و عدالت به معنای پرداخت حقوق و امتیازات شهروندان بر اساس استعداد و لیاقت آنان است. ایجاد عدالت اجتماعی و دفاع از حقوق ضعیفان، بخشی از حقوق مردم است. پیوسته توان‌گران و حکومتیان این حق را تهدید و تحدید کرده‌اند. قرآن مؤمنان را سفارش نموده که هرگاه ظلمی بر کسی شد، به مؤمنان پناه برند.

﴿وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ﴾^{۷۸}

و کسانی که زمانی که بر آنها ظلم می‌شود، به مؤمنان پناه برند و از آنها یاری طلبند.

و مؤمنان نیز باید به دفاع از حقوق برادران ایمانی خود برخیزند.

تأکید قرآن کریم بر عدالت‌خواهی و مطالبه حقوق خود و جامعه از مصادیق مهم مشارکت سیاسی و دخالت در سرنوشت خویش است.^{۷۹} ره‌آورد عدالت‌خواهی و مطالبه حقوق خود و جامعه، موجب جلب توجه حکومت‌ها و حاکمان به حقوق گروه‌های آسیب‌پذیر جامعه - که توانایی دفاع از حقوق خود در مقابل قشر متمول و حکومت را ندارند و نوعی نظارت و بازخواست دولت‌هاست. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

البته پر کردن دنیا از عدالت، این را ما نمی‌توانیم بکنیم، اگر می‌توانستیم می‌کردیم، اما چون نمی‌توانیم باید ایشان بیایند... اما باید فراهم کنیم کار را، اسباب این است که کار را نزدیک کنیم؛ کاری کنیم که عالم مهیا شود برای آمدن حضرت.

۳. نیروسازی

آمادگی جامعه برای ظهور حکومت مهدوی، نیازمند جلب نیرو و تعلیم و تربیت آنان است. از این رو، منتظران باید نیروهای بالقوه را برای نیروسازی حکومت مهدوی آماده سازند و با تربیت آنان، اهداف و ماهیت آن را اشاعه دهند. این نیروسازی باید همواره استمرار و دوام داشته باشد تا زمینه برای اصلاح جامعه و آمادگی برای تحقق عدالت جهانی فراهم شود. مؤمن منتظر، بی‌کار نمی‌ماند، بلکه آماده می‌شود و کسائی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکت صحیح داشته باشند که از تعلیم و تربیت متناسب برخوردار باشند. روشن است که مهم‌ترین وظیفه دولت امام مهدی علیه السلام ریشه‌کن کردن ستم و ستم‌گران از سطح جامعه و ساختن جامعه‌ای پاک و با طراوت در سراسر کره زمین است و نیز پاک‌سازی چنین جامعه‌ای از لوث وجود پلیدی‌ها مستلزم درگیری با پایگاه‌های سلطه اهریمنانی است که منافع خویش را فقط در دل سیاه جامعه دور از اولیای خدا یافته‌اند. لذا آمادگی و پذیرش جامعه جهانی و فراهم بودن زمینه‌های مناسب اجتماعی در جهت پشتیبانی از حکومت و تعداد کافی یاوران آگاه و کارآمد برای کمک‌رسانی به رهبری و تشکیل و اداره هسته مرکزی حکومت، از عوامل دخیل در ظهور است؛ این امور مهم جز با تربیت نیرو و اشاعه فرهنگ مهدویت ممکن نخواهد بود. از این رو، آیات قرآن و روایات به تعلیم و تربیت و نیروسازی توجه ویژه‌ای دارند. امام هادی علیه السلام می‌فرماید:

مؤمن منتظر، بی‌کار نمی‌ماند، بلکه آماده می‌شود و کسائی می‌توانند در نهضت مهدوی حضور و مشارکت صحیح داشته باشند که از تعلیم و تربیت متناسب برخوردار باشند.

اگر پس از غیبت قائم شما، از دانش مندان کسانی نباشند که مردم را به امام زمان علیه السلام بخوانند و به جانب او راه‌نمایی کنند و با برهان‌های خدایی، از دینش پاس‌داری کنند و بندگان ضعیف خدا را از شبکه‌های ابلیس و یاران او و از دام‌های دشمنان اهل بیت علیهم السلام که زمام دل ضعیفان شیعه را گرفته‌اند، هم‌چون که سکان کشتی را رهایی بخشند، کسی به جای نمی‌ماند، مگر این‌که از دین خدا برگردد. چنین دانش‌مندانی، نزد خداوند از گروه برتران به شمار می‌آیند.^{۸۰}

۴. وحدت، هم‌گرایی و پرهیز از خودمحوری

هم‌کاری و تعاون از جریان‌ها و ارکان اساسی در زندگی انسان است و شرط اساسی در هر وضع و موقعیتی از عرصه‌های اجتماعی و سیاسی به شمار می‌رود. هم‌کاری و وحدت هدف، تقسیم کار و قبول مسئولیت از عناصر اصلی کارهای جمعی هستند که یک جامعه و گروه اجتماعی را حفظ و پایدار می‌سازد. زندگی جمعی مشکلات و نیازهای فراوانی را پیش رو دارد و فرد به تنهایی نمی‌تواند در برابر آنها بایستد و حرکت کند. از این رو، باید از همه ظرفیت‌ها و توان‌های افراد جامعه بهره برد و از تفکر شخصی و سلیقه‌ای و خودمحوری کناره جست و به هم‌کاری و تعاون روی آورد.

قرآن کریم نیز اجتماع مسلمین را به تعاون و هم‌کاری و وحدت فرا خوانده است:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾^{۸۱}

و در نیکوکاری و پرهیزکاری با یک‌دیگر هم‌کاری کنید، و در گناه و تعدی دست‌یار هم نشوید.

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾^{۸۲}

و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید
﴿إِنَّا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^{۸۳}

در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را

سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید.

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾^{۸۴}

ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾^{۸۵}
و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند.

مقوله انتظار ظرفیت دارد که منتظران را تحت هدف واحد در قالب مسئولیتی بزرگ با هم‌گرایی و وحدت گرد هم آورد. امروزه جامعه منتظران با مسئولیت بزرگی که بر عهده دارند و با وجود دشمنان فراوانی که می‌خواهند نور انتظار و موعودگرایی را خاموش کنند، راهی ندارند جز این‌که به هم‌گرایی و وحدت روی آورند و از تکیروی و خودمحوری پرهیزند تا زمینه‌های ظهور فراهم گردد. بنابراین، حالت انتظار و اعتقاد به وجود امام حی، زنده، حاضر و ناظر، در حفظ وحدت مردم و آماده کردن افراد برای زمینه‌سازی ظهور بسیار تأثیرگذار است.

۵. مسئولیت‌پذیری و کسب توان و قدرت

قرآن کریم انبیای الهی را به کسب توان و قدرت برای حفظ و دفاع از ارزش‌های دینی و انسانی فرا خوانده است:

﴿خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ﴾^{۸۶}

آن‌چه را به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید.

﴿يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾^{۸۷}

ای یحیی، کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر، و از

کودکی به او نبوت دادیم.

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُزْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ
إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تظَلُمُونَ﴾^{۸۸}

و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

انسان منتظر نیز مهارت دارد که داشته‌های خود را اعم از هویت و فرهنگ خویش حفظ کند و اجازه نخواهد داد که خط قرمزهای مکتب او در برابر شبهات و حمله‌های دشمن اعم از تهاجم نظامی و شبیخون فرهنگی محو شود، بلکه با کسب قدرت و توان لازم به دفاع از هویت و فرهنگ خویش می‌پردازد. بنابراین، آمادگی برای نبرد نهایی، از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی منتظران است. امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید:

هر کس اسبی را به انتظار امر ما نگاه دارد و به سبب آن، دشمنان ما را خشمگین سازد، در حالی که منسوب به ماست، خداوند روزی‌اش را فراخ گرداند و به او شرح صدر عطا کند و او را به آرزویش برساند و در رسیدن به خواسته‌هایش یاری‌اش کند.^{۸۹}

آیه‌الله آصفی مسئولیت‌های منتظران و امکاناتی را که باید کسب کنند، در دو جنبه رشد ایمانی، جهادی و آگاهی سیاسی و ایجاد تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری و اطلاعاتی می‌داند که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد. وی هم‌چنین معتقد است:

این تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی بدون وجود نظام سیاسی و دولت در جهان محقق نخواهد شد، و این، همان دولت زمینه‌سازان است که روایات زیادی مرده برپایی آن را داده‌اند و به ناچار شکل‌گیری چنین نیرویی در زمین، ظهور امام علیه السلام را نزدیک می‌گرداند و بدون آن، عوامل طبیعی ظهور امام فراهم نمی‌آید. کسب چنین نیرویی نیازمند عمل و حرکت در متن زندگی است و فقط «مترصد» بودن و به «انتظار» نشستن، به معنای منفی آن، دردی را درمان نمی‌کند.^{۹۰}

حضرت ولی عصر علیه السلام در توقیعی شریف با انتخاب فقیهان و راویان حدیث به عنوان نماینده و حجت خود بر مردم^{۹۱} نشان داده‌اند که رابطه امام معصوم علیه السلام با مردم برقرار است و هیچ‌گاه امور جامعه رها نمی‌شود، بلکه همواره کسانی برای تربیت و اصلاح امور مردم و به‌ویژه در رخدادهای سیاسی و حوادث واقع حضور دارند.^{۹۲} بر همین اساس،

بیشتر فقهای شیعه، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت ضروری دانسته‌اند و معتقدند که انتظار فرج به هیچ روی، ناسازگار با تشکیل حکومت اسلامی پیش از ظهور نخواهد بود



بیشتر فقهای شیعه، تشکیل حکومت اسلامی را در دوره غیبت ضروری دانسته‌اند و معتقدند که انتظار فرج به هیچ روی، ناسازگار با تشکیل حکومت اسلامی پیش از ظهور نخواهد بود، بلکه برای زمینه‌سازی ظهور بر منتظران است که شرایط و زمینه‌های ظهور را فراهم کنند. امام خمینی علیه السلام نیز با چنین برداشتی از انتظار به تشکیل حکومت اقدام نمود.^{۹۴} ایشان با رد افکار انحرافی درباره برداشت‌های انحرافی و غلط از مهدویت و انتظار^{۹۵} و با تأکید بر جنبه‌های سازنده و اثر بخش آن، عقیده داشتند که شیعیان حضرت ولی عصر علیه السلام باید برای پیروی از حضرت و برای خدا قیام کنند.^{۹۶} انقلاب اسلامی و تشکیل حکومت اسلامی ایران، خود گواه صادقی بر ظرفیت‌های سیاسی و اجتماعی انتظار است که مردم با اعتقاد به امام زمان علیه السلام و دل‌بستگی به ایشان و روحیه انتظار فرج، به تربیت و آمادگی خود و جامعه پرداختند و موجبات تحقق وعده الهی و پیروزی، حق بر باطل را محقق ساختند.

نتیجه

انتظار موعود، ظرفیتی عظیم و تأثیری توان‌مند در تربیت و آماده‌سازی فرد و جامعه دارد و با استفاده از آن، می‌توان الگوی مناسبی را برای تربیت سیاسی منتظران تنظیم و استخراج نمود. تربیت سیاسی برآمده از مؤلفه انتظار، انسان منتظر را انسانی فعال، پیش‌رو و اثرگذار در عرصه‌های فردی و اجتماعی می‌سازد که درباره سرنوشت خویش و جامعه بی‌توجه نیست و با الهام از نیروی انتظار و تربیت در پرتو آن، شرایط و توانایی‌هایی را در سه حوزه بینش، گرایش و رفتار سیاسی به دست می‌آورد که به واسطه آنها به مشارکت تأثیرگذار و آگاهانه سیاسی در جامعه می‌پردازد و با اصلاح جامعه اسلامی، زمینه را برای ظهور منجی عالم بشریت فراهم می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه؛ ج ۱۴؛ ص ۵۵۰.
۲. راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ قرآن کریم؛ ذیل ماده ربّ. قم، ذوی‌القربی، ۱۴۲۷ م.ق. ص ۳۳۶.
۳. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۴، ص ۱۸۳.
۴. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶؛ ص ۳۰.
۵. محمدتقی جعفری؛ حکمت اصول سیاسی اسلام؛ قم، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۶۹؛ ص ۴۷.
۶. جان الیاس، فلسفه تعلیم و تربیت، ترجمه عبدالرضا خرابی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵؛ ص ۱۸۰.
۷. همان.
۸. مصطفی محمد طحان، چالشهای سیاسی جنبش اسلامی معاصر، ترجمه خالد عزیزی، تهران، نشر احسان.
۹. فلسفه آموزش و پرورش، فیلیپ چی اسمیت، سعید بهشتی، مشهد، شرکت به نشر (استان قدس)، ۱۳۷۰، ص ۵۹.
۱۰. سوره انفال، آیه ۸.
۱۱. سوره رعد، آیه ۱۷.
۱۲. سوره اسراء، آیه ۸۱.
۱۳. سوره شوری، آیه ۲۴.
۱۴. سوره قصص، آیه ۱۳.
۱۵. سوره روم، آیات ۵-۶.
۱۶. سوره روم، آیه ۶۰.
۱۷. سوره غافر، آیه ۵۵.
۱۸. سوره فتح، آیه ۲۹.
۱۹. سوره نساء، آیه ۹۵.
۲۰. سوره بقره، آیه ۲۱۴.
۲۱. سید رضا صدر، راه مهدی، باهتمام: سید باقر خسرو شاهی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۹، ص ۶۹.
۲۲. سوره نور، آیه ۵۵.
۲۳. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۲۴. سوره قصص، آیات ۵-۶.
۲۵. سوره هود، آیه ۸۶.
۲۶. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲۷. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام از دیدگاه فلسفه تاریخ، انتشارات صدرا، تیر ۱۳۸۲؛ ص ۱۴.
۲۸. سوره جمعه، آیه ۲.
۲۹. نک: سوره مؤمنون، آیه ۲۴؛ سوره اعراف، آیه ۱۱.
۳۰. سوره اعراف، آیه ۱۷۹.
۳۱. سوره رعد، آیه ۱۱.
۳۲. سوره انفال، آیه ۵۳.
۳۳. عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه، قم، نشر اسراء، ۱۳۷۸، ص ۸۳.
۳۴. خواجه نصیرالدین طوسی، تجرید الاعتقاد، (کشف المراد فی شرح تجرید اعتقاد)، تصحیح حسن حسن زاده آملی، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۲۲ق، ص ۴۹۰.
۳۵. ابن شعبه حرّانی، تحف العقول، ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۸۰.
۳۶. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶-۲۶۰، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۳۷. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.
۳۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.
۳۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳.
۴۰. ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی علیه السلام قم، نسل جوان، ص ۱۰۲.
۴۱. بهروز لک، الگوی توسعه سیاسی در پرتو عدالت مهدوی، فصل نامه انتظار موعود، پاییز ۱۳۸۳.
۴۲. نک: سوره انعام، آیه ۵۰؛ سوره زمر، آیه ۹.
۴۳. بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۶۸.
۴۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، کمال الدین و اتمام النعمه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵هـ. ق، ج ۲، ص ۵۱۲.
۴۵. کمال الدین، ص ۳۳۰.
۴۶. سوره هود، آیه ۸۶.
۴۷. سوره نور، آیه ۵۵.
۴۸. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.
۴۹. قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام، ص ۱۴.
۵۰. سوره طه، آیات ۲۵-۲۶.
۵۱. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.
۵۲. سوره روم، آیه ۶۰.
۵۳. سوره غافر، آیه ۵۵.
۵۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۳.
۵۵. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۶۲، روایت ۱۸۱.
۵۶. سوره فاطر، آیه ۱۰.
۵۷. سوره منافقون، آیه ۸.
۵۸. سوره نساء، آیه ۱۴۱.
۵۹. سوره نساء، آیه ۹۷.
۶۰. عباس قمی، مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
۶۱. سوره طه، آیه ۱۶.
۶۲. سوره بقره، آیه ۱۲۴.
۶۳. خرمشاهی، بهاء الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۱، ص ۲۸۴ و ۲۸۵.
۶۴. سوره نساء، آیه ۵۹.
۶۵. خرمشاهی، بهاء الدین، قرآن کریم، ترجمه و توضیحات و واژه نامه، ص ۸۷.
۶۶. سوره مائده، آیه ۶۷.
۶۷. نهج البلاغه، نامه ۴۵.
۶۸. نهج البلاغه، کلمه قصار ۱۱۰.
۶۹. سوره نساء، آیه ۵۹.
۷۰. سوره طه، آیه ۲۴.
۷۱. نک: سوره اسراء، آیه ۱۰۳.
۷۲. سوره مائده، آیه ۳۳.
۷۳. سوره توبه، آیه ۷۳.
۷۴. سوره نساء، آیه ۱۴۱.
۷۵. سوره سبأ، آیه ۴۶.
۷۶. قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام، ص ۲۰.
۷۷. بحار الانوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۱۰، ج ۴.
۷۸. سوره شوری، آیه ۳۹.
۷۹. سوره حجرات، آیه ۹.
۸۰. فصلنامه انتظار موعود، ش ۵ پاییز ۱۳۸۱، ص ۲۰۸، به نقل از شهید ثانی، منیة المرید.
۸۱. سوره مائده، آیه ۲.
۸۲. سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.
۸۳. سوره حجرات، آیه ۱۰.
۸۴. سوره حجرات، آیه ۱۳.
۸۵. سوره توبه، آیه ۷۱.
۸۶. سوره بقره، آیه ۶۳.
۸۷. سوره مریم، آیه ۱۲.
۸۸. سوره انفال، آیه ۶۰.
۸۹. کافی، ج ۶، ص ۵۳۵ روایت ۱.
۹۰. محمدمهدی آصفی، انتظار پویا، ترجمه: تقی متقی، فصلنامه انتظار موعود، ش ۷.
۹۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴، حدیث ۴.
۹۲. رک: نجم الدین طیبی، نشانه‌هایی از دولت موعود، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۶۴.
۹۳. امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۳۷۷، ص ۱۹، صحیفه نور، ج ۲، ص ۹.
۹۴. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۷ و ۱۹۶؛ ج ۲۱، ص ۹۶ و ۲۰۲؛ ج ۱۹، ص ۹ و ۲۲۸.
۹۵. صحیفه نور، ج ۷، ص ۳۶.